

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

گلوب ان میل – مورخ ۳۱ ماه مارچ ۲۰۰۹

مترجم : ک . پیکار پامیر – تورنتو

ستراتژی اوباما راجع به افغانستان

و اظهارات مطبوعات کانادا در این مورد

تذکر مترجم: دیوید برکوسن ، مدیرمرکز آموزش ستراتیژی نظامی کانادا از دانشگاه ایالت کلگری ، تحلیلی دارد پیرامون ستراتیژی جدید بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده پیرامون اوضاع افغانستان که در شماره مورخ سی و یکم ماه مارچ روزنامه انگلیسی زبان (گلوب ان میل) به نشر رسیده است . چون این تحلیل نکات نظر کشور های عضو پیمان ناتو ، به خصوص کانادا را که در قندهار اشتغالات جنگی دارند، به نمایش میگذارد ، بنابراین ، خواستم ترجمه تحلیل مذکور را به نظر خوانندگان گرامی نیز برسانم :

"اظهارات باراک اوباما مبنی بر ستراتیژی جدید ایالات متحده آمریکا در مورد افغانستان ، دارای نشانه های روشنی دال بر چرخش اوضاع جنگ علیه طالبان و القاعده میباشد. این ستراتیژی همچنان ، بیانگر تغییراتی در جنگ کانادائی ها در قندهار نیز خواهد بود. این ، عمده ترین اشاراتی بود که در بیانات رئیس جمهور آمریکا به چشم میخورد. اوباما اکنون با در نظر داشت اعتبار خودش و جنگ کشورش در افغانستان کار میکند ، بدون شک این ، یک قمار بزرگ خواهد بود. اداره جورج دبلیو بوش آمریکا را از نظر مالی در یک حالت ضعیفی رها نمود. ایالات متحده در باتلاق جنگ عراق گیر مانده و جنگ علیه شورشیان در افغانستان را نیز باخته است . علی رغم تلاشهای امریکا، مرحله دسترسی ایران به نیروی اتمی نزدیک بوده در لبنان، سوریه، غزه و سودان نیز سرگرم قدرت گیری میباشد. ایران حیثیت شمشیر داموکلس بالای سر کشورهای خلیج فارس، به خصوص مصر و عربستان سعودی را دارد. واشنگتن اساساً همکاریهای اعضای پیمان ناتو (که کانادا نیز در میان آنها میباشد) ، غرض دفاع از حکومت کوزی در کابل را از دست میدهد. چین با پیشرفتهای قابل توجه نظامی و اقتصادی ، آمریکا را در جنوب آسیا به مبارزه فراخوانده است. در حالیکه سقوط اقتصادی آمریکا ، دلار آن کشور را به حیث پشتوانه بالقوه دارائی در جهان فلج کرده است . اگر آمریکا جنگ را در افغانستان ببازد، هژمونی مالی ، اقتصادی ، نظامی و

دیپلماتیک خود در سراسر جهان را نیز از دست خواهد داد. چنانکه همین اکنون قدرت این کشور در یک سایه روشن قرار گرفته است. بیانیید تصور کنیم که پلان اوباما نشانه ای از ناکامی باشد، باید دانست که اگر هیچ کار دیگر (با این پلان) از پیش نرود، طالبان را به عقب خواهد راند. نیروهای امریکائی به حرکت در خواهند آمد و نواحی قندهار، زابل و هلمند را نیز تحت پوشش قرار خواهند داد. آن نواحی را که سر بازان کانادائی یا در آنجا ها حضور ندارند و یا حضور اندکی دارند. همچنان سربازان بریتانیائی نیز قرار است تا چهار هزار دیگر در ایالت هلمند افزایش یابد و مجموع آن به دوازده هزار تن بالغ گردد. این تعداد نیرو، برای نگهداری شهرها و قریه های کلیدی که ضرورت های لجستیکی طالبان را فراهم مینمایند، کافی خواهد بود. و نیز امنیت ساکنان محلی را تأمین خواهند کرد. اکثریت زنان، طالبان را نمی پسندند، اما، نسبت به کمبود یا عدم همکاری غرب در آنجا ها، به اطاعت آنها واداشته میشوند. افزایش سربازان در افغانستان، یگانه محور کاری اوباما نخواهد بود، بلکه سر بازان مذکور امنیت را تأمین خواهند کرد تا زمینه برای مبارزه علیه فساد در حکومت کرزی، نا بودی تجارت مواد مخدر که طالبان را از نظر مالی کمک میکند و اقدامات دیگر غرض از میان بردن فقر و بیکاری در غرب پاکستان را فراهم نماید.

اگرچه طی سخنان هفته های اخیر اوباما تذکر نرفته است، ولی حملات هواپیما های بدون سر نشین امریکائی بالای مواضع طالبان و القاعده در غرب پاکستان افزایش خواهد یافت و این عملیات، حکومت پاکستان را در سرکوبی لانه های تروریسم میان حکومت و شبکه استخبارات نظامی آن یاری خواهد رسانید.

ستراتژی جدید، کدام نوع دموکراسی و یا آزادی خیالی را به افغانستان مدنظر ندارد، اما طوری امنیت را تأمین خواهد کرد که حکومت کابل بتواند در پرتو آن از خود دفاع نماید. همه این تخمینات اثرزود رسی بالای کانادائی های مقیم قندهار خواهد داشت. سربازان بیشتر امریکائی و بریتانیائی این فرصت را به نیرو های کانادائی خواهند داد تا با قدرت بیشتر متوجه شهر قندهار، زاری و پنجوائی در غرب و ارغنداب در شمال قندهار شوند. همچنان، افزایش سربازان امریکائی و انگلیسی در هلمند، اوضاع را برای طالبان مشکل تر خواهد ساخت و دیگر نخواهند توانست از مناطق مذکور نیروی جنگی جمع آوری نمایند. همچنان، شرایط را برای طالبان مبنی بر رسیدن مرد و مال از آنسوی مرز (پاکستان به سوی افغانستان) سخت خواهد نمود و کانادائی ها قادر خواهند بود منطقه کلیدی (قندهار) را حفظ نمایند. ایالات متحده، فرماندهی جنگ در جنوب را حفظ خواهد نمود و این، برای سایر فرماندهان این مجال را خواهد داد تا قدرت سرکوبی در سراسر مناطق را بگونه واحد و مؤثری تنظیم نمایند که شامل شش ایالت بوده و میان پاکستان و ایران قرار گرفته اند. وحدت فرماندهی از همان اوایل که طالبان خودشان را مجدداً آماده جنگ ساختند، برهم خورد. مردم غالباً از حضور گسترده امریکائی ها و انگلیسی ها (و تلفات ناشی از جنگ بی اطلاع می مانند و اکنون باید از سر بازان سایر کشور ها مانند پولند، هالند، دنمارک، استرالیا و فرانسه نیز یاد کرد. با افزایش بیست و یک هزار سرباز امریکایی و چهار هزار سر باز انگلیسی در منطقه، دیگر دید کانادائیان مبنی بر اینکه آنها به عنوان یک بخش از جنگ تنها خواهند بود، تغییر خورد.

(پایان)